

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیة (جبل‌المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نامب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران يكصد دینار
 سایر بلاد ایران سه ماهی است
 قیمت اعلان مطری
 دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
 با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۱ مرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۷ میلادی

قصیده

- (در ستایش جشن ملی)
 (حبذا جشن ملی ایران)
 (که جهان را نموده رشک جنان)
 (حبذا جشن مجلسی که باو)
 (باز بسته همه صلاح جهان)
 (حبذا جشن مجلسی که بود)
 (کار دشوار ما ازو آسان)
 (حبذا جشن مجلسی که ازو)
 (مملکت شد چو روضه رضوان)
 (مجلس ای مایه سرور نشاط)
 (مجلس ای لعل ما ز تو خندان)
 (مجلس ای دفع فتنه ظالم)
 (وی ز تو چشم مستبد گریان)
 (مجلس ای مایه تجارت ما)
 (وی تو زنده سود و مرده زیان)
 (مجلس ای مملکت ز تو آباد)
 (وی ز تو کاخ مستبد ویران)
 (مجلس ای داد خواه هر مظلوم)
 (وی تو پشت و بناء هر پیمان)
 (مجلس ای یادگار جمشیدی)
 (مجلس ای جان مردم ایران)
 (مجلس ای مایه شرافت ما)
 (مجلس ای تنک ماز تو پنهان)
 (مجلس ای دین ما ز تو محکم)
 (مجلس ای ضرع را کو پشتیبان)

- (مجلس ای معنی مسلمانی)
 (مجلس ای نص آیت قرآن)
 (مجلس ای در صفات تو عقلا)
 (آمده مات و عا جز و حیران)
 (ای بتو زنده ملک افریدون)
 (وی ز تو تازمه عدن نو حیر وان)
 (از تو راحت بهر کجا زارع)
 (وز تو آورده هر کجا دهقان)
 (ای رهاتده خلق را از ظلم)
 (وی نماینده عدل را تابان)
 (ای بتو چشم ماهمه روشن)
 (وی تودر دیدگان ما انسان)
 (ای بکنزار عیش ماغبم)
 (وی بکشت امید مانیسان)
 (ای طیب نقوس ایرانی)
 (وی بدرد تمام مادرمان)
 (کندی از بن درخت استبداد)
 (بزدردی فساد از جهان)
 (ای فقیر و غنی ز تو خوشدل)
 (وی بحکم نو چملمکی یکسان)
 (از تو در تیه حسرت و اندوه)
 (مستبدین تمام سرگردان)
 (وزرا از تو حد خود داند)
 (یکسر مو خلای تو توان)
 (بود ایران ز ظلم پیرو ضعیف)
 (از وجود تو باز کشت جوان)
 (هست فرخنده مقدمت حاشا)

- (دست ماتت رها کند دامان)
 (سرما خاک آستان تو باد)
 (جان شیرین ما تورا قربان)
 (تازایران زمین نشان باشد)
 (اهل ایرانت بنده فرمان)
 (ای خوشا آترمان که بنمائی)
 (رشک ژابون ممالک ایران)
 (شاه ایران مزون زمیکاهو)
 (باج کیرد زقیصرو خاقان)
 (هله ایرالیان بشارت باد)
 (که بیاری ایزد سبحان)
 (زنده شد باز ملت اسلام)
 (تازو شد باز دولت امان)
 (مرده ای خستگان ظلم و ستم)
 (کاسداز بهر دردنان درمان)
 (علم ظلم سر نگون گردید)
 (عدل برچم فراشت برکیوان)
 (ای ستم دیدگان بشارت باد)
 (کنده شد کاخ ظلم از بلیان)
 (زین سپس هیچ مرد بی تقصیر)
 (نهد جان بگوشه زندان)
 (زین سپس مالتان کسی غارت)
 (ستواند کند بهر عنوان)
 (زین سپس عصمت همه محفوظ)
 (ماند از مکر و کید هر کشخان)
 (زین سپس مفسد خطا پیشه)
 (کی تواند بکس زند بهتان)
 (زین سپس حاکمان بی انصاف)
 (ننمایند مال ما تالان)
 (مرده ای خاک تابناک وطن)
 (کاب رفته دوباره گشت روان)
 (می نبخشند آب دریایت)
 (نفر و شند چنگات ارزان)
 (دخترانت بتر کمان ندهند)
 (پسرانت لمیرد افغان)
 (مرده ای خاک زین سپس کردند)
 (از تو همسایگان ما دندان)
 (هرچه کشتند جماه باد بیره)
 (هرچه رشتند پاره کرد زمان)
 (یک کف خاک تو بکس ندهند)
 (ار دهد صد برابرش مرجان)
 (هست مجلس چو یک درخت سترک)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

یکشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانیه

امروز دو نفر وکیل ولایات که یکی جناب مقبل لشکر وکیل محترم خمسه و دیگری جناب آقای ادیب وکیل کلیایکان بمجلس مقدس آمده بعد از معرفی تبریک و تهنیت بمعظم الیهمما داده شد تبریکاتی که از ولایات برای جشن ملی بمجلس مقدس آمده است فهرست مانند اسامی آنها را قرائت کردند (انزلی) (رشت) (سبزوار) (خراسان) (دامغان) (همدان) (قم) (کاشان) (کرمان) (کرمانشاهان) (مازندران) و سایر ولایات دیگر

وزیر علوم در خصوص روز فاجعات اظهار داشتند که روز سه شنبه بعضی از مذاکرات شده و بالاخره استفاده رای از مجلس شده که برای اینکه توهینی بشرح شریف در روز نامه شده مجازاتی داده شود چون از وظیفه مجلس خارج بود رسماً رای گرفته نشد و چون مسئله شرعی بود لازم با اجازه حجج اسلام شده لذا جناب آقای آقا سید محمد مجتهد حکمی فرموده حسب الامر اجری شد ولی بعد از تأمل و تفکر دیدیم که مسئله توقیف برای هر تقصیری خارج از قانون عدالت است باید مجازات دیگر معین شود هر یک از وکلاء اظهاراتی داشتند بعضی را عقیده این بود که توقیف باقی باشند تا قانون مجازات معین شود بعضی اظهار داشتند که باید از توقیف خارج شده هر وقت مخالف شرع یا دولت و ملت چیزی نوشته شد مجازات شوند

بعضی از وكلاء اظهار داشتند كه اعلان خلاق شرع را این طور اصرار و تاكید در عدم نشر دارید اعمال قبیحه و عنیبه از قبیل بیع خمر و غیره كه علتاً در بلاد اسلام و سوق مسلمین بیع و خمری میکنند چرا مانع نمیشوید بالاخره بعد از مذاكرات زیاد قرار شد كه وزارت علوم بروند خدمت آقای آقا سید محمد و آنچه لازمه مذاكرات است نموده مجازات لازمه را تعیین کرده از توقیف خارج نمایند

در خصوص لایحه كه در یومیه حبل المتین در باب سفارت روس درج شده بود وزیر علوم اظهار فرمودند كه این لایحه بفرستد معظّم بر خوده است وكلا چه میگویند در باب این لایحه بعضی اظهار کردند كه تصدیق بخوبی این لایحه نداریم ولی سفیر معظّم هم حق كه شكایت ندارند بعضی از وكلاء محترم اظهار داشتند كه روزنامه های هفتگی و یومیه در سایر دول ترجمان پارلمنت است كه سبك و طریقه او را از او میدهند چون چنین است این لایحه در حبل المتین خیلی بد بود و مجلس شورای ملی تصدیق ندارد زیرا كه دولت ایران و مجلس شورای ملی بتمام دول كمال اتحاد و دوستی را دارد وزارت مالیه اظهار داشتند كه امروز از طرف دولت تلگرافی شده در امر بانك ملی كه زودتر آنچه لازمه اقدامات است بعمل آمده تشكيل شود و در آن امتیازنامه و فراترنامه كه نوشته شده است چون باید این مطلب را از روی مینای صحیح و بایه محكمی باشد و ملاحظه آتیّه بشود تجدید نظری لازست كه در بعضی از موادش مذاق بشود بعد از مذاكرات زیاد قرار شد كه در چند مجلس امر بانك را تصحیح کرده اساس آنرا پایدار و بتعجیل تشكيل نمایند

(مجلس ختم شد)

﴿ علاجی بكن كردله خون نیاید ﴾

(خوش بود كه محك تجربه آید بمیان)

(تاسیه روی شود هر كه دروغش باشد)

یکی از عللی كه اساس مشروطیت ما را مخمل و متزلزل داشته و ممانع پیشرفت ما است مسئله ترجیح بلا مرجح است مثلا بدون تحقیق و غور هیچ دلیل واضح فقط بواسطه تشویق و یا تحریك اشخاص مفرض فلان را بفلان ترجیح میدهیم ولی انصاف را هم نباید از دست داد و فقط اكتفا به الفاظ نشاید نمود چه مطابق علم عربی الفاظ بردو نوعند مهمل و مستعمل و اگر خوب ملاحظه کنیم امروز غالب الفاظ مشروطیت ما حکم مهملات را دارد مثلا میگویند فلان وزیر مسئول باما همراه است و حال آنكه بكنی برضد و بر علیه ما است پس باید گفت كه با همراه بودن از جزو الفاظ مهملات است و باینكه باید قبول نمود

كه این لفظ دو معنی دارد معنی حقیقی و معنی مجازی و در این دوره مشروطیت فقط بمعنی مجاز استعمال شده است چه كه ابدأ حقیقی از این لفظ مشهود نگشته است چنانچه امروز همه كهنه مستبدین ظاهرا میگویند كه ما باخیالات مشروطیت همراه هستیم و باطناً دشمن مشروطیت و عدالتند مثل اینان مثل آن شخص است كه میگفت هر وقت میگویم والله بالله تالله تالله العلی العظیم بدانید كه میخواهم دروغ بزرگی بگویم لیكن امروز مردم هوشیار شده اند و ابدأ اعتنائی باسم و لفظ و حرف ندارند فقط ناظر بفعل و عمل میباشند هر وقت هر چه و مرجع مسلك تمام و تخم لطف نابود و مستبدین دلیل همدند میدانیم كه مثلا وزیر داخله باما همراه است هر وقت قشون ما مرتب كشته میگوئیم وزیر جنگ بانا است هر وقت اداره معارف ما روحمی یافت البته خود آن روق جدید دلیلی است واضح براى كه وزیر علوم مایل و جاهد برترقى و پیشرفت ابناء وطن میباشد و پس علیهذا برای سایر امورات دیگر

باری از مقصود دور افتادم میخواستم عرض كنم كه ترجیح بلا مرجح و یا دفع فاسد بافاسد كردن خیلی بما ضرر زده است اگر بهمیر منوال چندى بگذرد و مستبدین بانظام وفات قبول فاتحه مشروطیت را خواهند سكذارد (اگر چه این آرزوئى است بگور بردنى) عرض كلی از همه این تصدیقات این است بر علیه بعضی از وزراء مخصوصا بر علیه وزیر عدلیه ترانه ها میسر آیند بنده عرض میکنم حالا كه لفظا مشروطه شدیم و میزان عدالت میخواهد بمیان آید دیگر منتظر نیستیم كه این وزارت را هم مثل وزارت داخله بقانون ترجیح بلا مرجح تغییر دهند زیرا كه اینگونه تغییرات شیرازه امن و امان و حریت و آزادی الكار مشروطیت ما را از هم گسیخته و اوراق خواهد نمود و هر چه و مرجع مملکتی را و هیچان مستبدین و كرت ظالمین و مخالفین دولت و ملذذ روز بروز در تریاید خواهد شد مجرمین و محكّمین و رشوه خوران و غارتگران هر روزه بری الذمه میشوند و مظلومان داد خوا. عدالت طلب بی دریغی دلیل و مطرود میگردند امید داریم كه من بعد در این نكته باریك عطف توجهی خواهند فرمود

(امضا ف. پ)

(راپورت تبریز)

بر همه كس واضح است كه اهلی عبور آذربایجان در خصوص امر مشروطیت چه قدر متحمل زحمت شده و جان عزیز خود هاترا و ای ملت نجیب ایران نمودند تا آنكه آفتاب مشروطیت طلوع و بنور خویش صفحات

ظلمانی ممالک را روشن نمود و نزدیک شده است
 بالمره امید است بدان قطع عود و اینک مشت ملت نجیب
 چندی در ظل عدالت و آزادی و مساوات راحت و مطمئن
 باشند در این وقت استبدادیان بیخبال نفاق بین ملت
 افتادند که اول آذربایجان را شلوق کنند اهل نفاق را
 اغوا نموده شورش پسر رحیم خان در قراجه داغ و
 اقبال السلطنه در باکو اغتشاش اردبیل و غیره و غیره
 را فراهم آورده بنای شورش را گذاشتند اهل تبریز از
 هوشیاری که دارند بی بساد این شورش ها برده اولاً
 در شهر تبریز ملت مشق سرباز ملی قرار دادند که
 هر روز از اهل محله بدون استثنا از علماء سیدخوانین
 تجار اعیان کسبه داخل سرباز ملی شده

با اسلحه جدید هر روز بنای مشق را گذاشتند و چند
 نفر از مستبدین را از شهر خارج نمودند از انجمله
 یکی هم حاج میرزا حسن آقا می باشد و قرار گذاشتند
 که هر شب دو سبقت نفر از مجاهدین در هر محله تا
 صبح گردش نموده خانه های ملت را محافظت نمایند
 با وجود این استبدادبان بارتک های کونا کون در صورت
 دیگر جلوه کرده از راه دوستی این اتفاق را بر هم
 زدند میانه مجاهدین نفاق انداختند همین که خاطر جمع
 شدند که سر ملت با هم دیگر مشغول است محله را
 شلوق کرده اهل انجمن مقدس را مجبور کردند که
 هیئت را باز بقرار سابق بحکومت واگذارند که کدخدای
 ویلیس در حفظ ملت باشند از جهت اطاعت مجلس تمام
 محلات قبول کردند الا محله خیابان مشق کردن
 ملت را خواستند بهم بزنند نشد کر بیان وکلای مظالم
 را در طهران گرفتند بیچاره وکلا گفتند در طهران چرا
 قراجه داغ شلوق است از طرف جواب شنیدند که مجاهدین
 شلوق میکنند و حال آنکه بیچاره وکلا میدانستند که دیو
 است عاقبت تشریف آوردند تلکرافخانه با هزار عجز و
 ناله ملت را مجبور کردند که مشق را موقوف نمایند
 بلکه ملت از شر شیاطین آسوده باشند یعنی باین معنی اعلیحضرت
 شهریاری بدانند که ملت خیال بجز امنیت ندارد اهالی بوکلا نظار
 کردند که ما اطاعت شما را کرده مشق را موقوف میکنیم
 ولی نتیجه جز اختلال نخواهد داشت بعد از گفتگوی
 زیاد خواهش وکلای محترم را قبول نموده امورات
 شهر را بدیوانیان گذاشتند اما راه اردبیل را از جهت
 هوشیاری اهل خیابان مسدود نموده بودند در هیچ محله
 شبها از ملت کردش نمیکردند مگر در خیابانی که در همین
 چند شب چهار صد نفر حافظ بودند مبادا کسی
 و از توی شهر ببرند یک روز صبح مطلع شدند که شبانه
 هشت نفر را که از مشروطه طلبان خالص بودند بکار یکی

شهر برده حبس کرده خیال دارد تاسی نفر جمع نموده همرا
 تمیید نماید به مجرد اطلاع فدائیان و مجاهدین محله خیابان
 بدر پاترزه هزار نفر مصلح جمع شده سیصد نفر از میان
 انتخاب نموده بخاله بیکار یکی فرستادند دم خانه بیکار یکی
 از این سیصد نفر چهار نفر فرستادند پیش بیکار یکی که هشت
 نفر را که شبانه برده تحویل بدهد بعد از ورود دیدند
 که زیاده از حد سوار و پیاده در پیش بیکار یکی است با
 وجود این بهر قسم بود بیکار یکی هشت نفر را تسلیم
 مجاهدین نمود چون در میان آنها یک نفر از فریه رسول
 آقامیر یعقوب نام از مجاهدین محله شتریان بود این خبر
 که بمحله شتریان رسیده تمام مجاهدین از نفاق دست بر
 داشته بخیابان آمدند و این شهر شیخ سیدی عمل نمودند
 ، حسنت بانفاق ملاحظت جهان گرفت — آری بانفاق جهان
 میتوان گرفت دوباره با هم دیگر علقه اتحاد و اتفاق محکم نمودند
 هر روز در یک محله شیرینی آغوشی می خوردند و مشق نظامی را
 تجدید کردند دیروز نوبه شتریان بود بقدر سی هزار
 نفر با اسلحه آمدند چهار صد تومان پول قند و چای داده
 شد و تمام لباس نظامی ملی ملبوس ایران است خیلی تماشا
 دارد و این نفاق را از طرف دولتان دانسته بنظام الملک
 ایراد گرفتند این چه نفاقی بود میانه اهالی آذربایجان
 انداختند جواب دادند من تقصیر ندارم

(معذرت)

مطابق تحقیقات اخیر سفارت دولت روس حمایتی
 از حاجی ملک التجار ندارد خودش بدون اطلاع از
 اجزاء سفارت ناگهان وارد سفارت شده و بهیچ وجه
 وزیر مختار روس حاضر نیست موجبات اخلال قوانین
 عدلیه را فراهم بیاورد و مقصر ملی را نگاهداری و
 حمایت نماید لهذا از مندرجات نمره ۳۷ که بر ضد سفیر
 روس نوشته شده بود معذرت میخواهیم و بدنهانه ایشان
 از مقصر قانونی حمایت خواهند کرد و نه ما برخلافی
 ایشان سخن خواهیم گفت

(اعلان و اطلاع)

محکمه و کارخانه دندانسازی دکتر کریکوریان اول
 خیابان لاله زار روبروی بستخانه مبارکه بواسطه بیلاق رفتن
 روز های جمعه و یکشنبه تعطیل است ولی روز های
 دیگر از چهار ساعت بظهر مانده الی یک و نیم بروپ
 آفتاب مانده بجهت ممالجه حاضر است

(دکتر کریکوریان دندان ساز)

حسن الحسینی الکاشانی